



با ایجاد کارخانه ذوب آهن تحول بزرگی در ایران آغاز میشود

پدیدآورنده (ها) : بهشتی پور، مهدی

اقتصاد :: نشریه بورس :: دوره اول، یکم شهریور ۱۳۴۲ - شماره ۱

صفحات : از ۳۰ تا ۳۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/858812>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در آستانه ی نهضت امام خمینی (ره)
- مصاحبه با آقای دکتر سادات تهرانی معاون وزارت اقتصاد
- تازه ها و خبرها / اخبار اطاق بازرگانی تهران
- بانک بین المللی ایران و ژاپن

عناوین مشابه

- با ایجاد کارخانه ذوب آهن ایران از واردات آهن بی نیاز نخواهد شد
- مقالات وارده: رویارویی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی (چالشها و الزام های ایجاد تحول مبتنی بر دانش در اقتصاد ایران در افق چشم انداز ۲۰ ساله)
- با برنامه چهارم تحول عظیم اقتصادی ایران آغاز میشود
- طرح یک فرضیه در رابطه با علل متروک شدن محوطه های پایان عصر مفرغ در شمال شرق و شرق و گذار به آغاز عصر آهن در نیمه شمالی ایران
- معرفی پایان نامه: بررسی کاربردی نقش آگاهی مدیران از تئوریهها و مفاهیم رهبری در میزان بهره وری در سطح دو کارخانه ذوب آهن اصفهان و شرکت پلی اکریل ایران
- سیری در صنعت ذوب آهن ایران
- بررسی تاثیر سبک رهبری تحول آفرین بر نوآوری سازمانی با توجه به متغیر میانجی سرمایه اجتماعی در بین کارکنان انستیتو پاستور ایران
- تحول مسوولیت مدنی قضات در حقوق ایران؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و فرانسه
- مدیر عامل فرابورس ایران با تاکید بر ایجاد زیر ساخت های مناسب برای سازو کار VC ها اعلام کرد: تلاش برای ایجاد ساختارهای منعطف حقوقی- مالیاتی در صندوق های جسورانه
- طراحی فضای شهری به منظور ایجاد امنیت بیشتر برای کودکان در ایران با استفاده از تجربیات جهانی در این رابطه

با ایجاد کارخانه ذوب آهن تحول بزرگی در ایران میشود

بافسانه شبیه تر بود تا بحقیقت . بانی این صنعت عظیم رامتهم بدزدی وحتى همکاری با بیگانگان کردند ، سپس بصورت افسانه آمیزی ولی بحقیقت اورالخت کردند (۷۶۵۰۰۰ تومان در آن زمان با اسم جریمه از او گرفتند) . بلی خواننده عزیز : بانی ذوب آهن را که در صورت موفقیت او امروز ایران یکی از کشورهای متری صنعتی (توسعه یافته) و او خود نیز يك مرد ثروتمند و در ردیف سلاطین آهن قرار داشت بتوطئه همان پادشاهان آهن دست نشاندهگان آنها خرید کردند .

مرحله دوم - دو مین بار شروع ذوب آهن ایران بعد از سقوط حکومت قاجاریه یعنی اواخر سال ۱۳۰۴ شمسی است . در این سال همزمان با طرح قانون ساختمان راه آهن ایران در مجلس شورامساله ذوب آهن مطرح شد و پیشنهاد شد که پایای راه آهن ، صنعت ذوب آهن نیز در ایران ایجاد شود و روی این اصل پیشنهاد شد که دو نفر متخصص آلمانی برای استخراج آهن و تاسیس کارخانه ذوب آهن و تعیین بودجه برای ساختن کارخانه ذوب آهن تصویب شود .

و مخصوصاً قسمت آخر ماده چهارم که در همان تاریخ چهارم اسفندماه ۱۳۰۵ بتصویب مجلس شورایملی رسیده تأکید شده است که : « مبلغ تعیین شده برای ساختن کارخانه ذوب آهن اختصاص یافته و متوقف بر عملیات راه آهن نخواهد بود . »

آری خواننده عزیز! همانطور که ملاحظه نمودید منظور قانون - گزرا این بوده که چه راه آهن ساخته شود وجه نشود ساختمان کارخانه ذوب آهن باید ساخته شود ، موضوع تقدم ذوب آهن برای ایجاد راه آهن در ایران بقدری روشن بوده است که حتی مهدی قلیخان هدایت (مخبر السلطنه) نخست وزیر وقت ، شخصی که خود هر دو قانون ، اجازه ساختمان راه آهن و کارخانه ذوب آهن را بمجلس برده و آنرا بتصویب رسانده در کتاب خاطرات و خطرات خود ، چاپ ۱۳۲۹ شمسی (آخرین اثر خود) با کتایه اعتراف میکند که گویا دست هائی در کار بوده که مخصوصاً ایران صاحب کارخانه ذوب آهن نشود .

مرحوم هدایت در این باره مینویسد : دربدو امر معدن بود معدن آهنی دایر شود ، از گروه مهندسی برای کشف معدن و تشخیص استطاعت و ساختمان کارخانه استخدام شدند ، و مشخص شد که معدن درشان تپه از قرار روزی پانزده تن آهن مصرف سه سال آهن کافی میدهد ، معدن دیگر طرف دامغان پانزده سال و معدن حوالی انارک یزد ، سیصد سال مصرف روی کره را ، بعد تعطیل (توقف) ساختمان راه ، درانتظار آهن خودمان صحبت تدارک آهن خاموش شد ، و حال آنکه اگر آهن خودمان به اول کار نمیرسید به واسطه و آخر میرسید و کمتر از راه چالوس خرج داشت . بعلاوه آهن از ضروریات اولیه اقتصاد است . گرایه که با آهن داده شد از ریل و ترانس بیش از خرج استخراج آهن بود . چرا ؟ ندانستیم !!!

وبالآخره مرحوم هدایت در پایان این مقال میافزاید : « در تعقیب راه شمال و جنوب بطرف خراسان و آذربایجان شروع بساختن راه شد و همچنان کل آهن از خارجه تدارک میشود ، ولی از استخراج آهن صحبت نیست . »

وبالآخره در نتیجه تحقیقات مسیو مارتین متخصص معروف و راپرتهائی که اورا جع با ایجاد کارخانه ذوب آهن و صنایع فولاد سازی و مخارج آن در اواخر سال ۱۳۰۶ بوزارت عامه داده است معلوم میشود که استفاده مهمی از معادن آهن ایران میتوان برد راپرتهای نمره ۱۰۹۹ متخصص مزبور

از اواسط قرن نوزدهم که راه آمد و رفت ایرانیان به اروپا باز گردید و افکار جدید و ترقی خواهانه در مغز جوانان ایران بیداشد موضوع صنعتی کردن کشور مورد توجه روشنفکران قرار گرفت . از همان اوان هر يك از نویسندگان مانند اعتماد السلطنه در کتاب های خود یکی از بزرگترین افتخارات را که برای دولت های وقت می شمارند ایجاد صنایع جدید و ترقی اقتصادی کشور بوده است ، او در هر يك از کتاب های خود یاد میکند که اعلیحضرت پادشاه فلان و فلان کارخانه را افتتاح فرموده و این کارخانه چنین و چنان قدرت تولیدی دارد . برای رسیدگی دقیق باینگونه ادعا بکتایه های اعتماد السلطنه مانند : الماثر و الاثار ، منتظم ناصری و مرآت البلدان میتوان مراجعه نمود .

شک نیست که مردم ایران پس از گذشتن مدتی از شنیدن این ادعاها و پی بردن به بی پایه بودن آنها دچار ناراحتی های روحی و احساسات ضد استبداد گشته و در صدد کسب آزادی و ایجاد حکومت مشروطه بر آمدند و همین افکار نخستین پایه پیدایش افکار مشروطه خواهان و بوجود آوردن استقلال اقتصادی و صنعتی کردن کشور از راه ایجاد کارخانه های سبک و سنگین بوده است .

وبالآخره از روزی که زمزمه ایجاد کارخانه ذوب آهن در ایران بگوش رسید تشنگان استقلال اقتصادی این مملکت را بجنب جوش انداخت زیرا آنان میدانستند که اگر تحولی در ایران ایجاد شود وضع اقتصاد ایران صورت محکمی بخود گیرد ، بستگی بچند کار اساسی دارد که یکی از آنها ایجاد کارخانه ذوب آهن است ، زیرا « ذوب آهن » ما در همه کارخانجات و اساسی و اصل اقتصاد صنعتی این مملکت است .

از همان وقت که پایه کارخانجات سبک و کوچک بتوسط امثال امیر کبیر و سپهسالار و حاج امین الضرب در ایران گذارده شد ، باین موضوع مهمی پی بردند ، که اگر چنانچه کارخانجات ذوب آهن تاسیس نشود ، امکان حفظ و نگهداری صنایع سبک ممکن نخواهد بود ، فقط با وجود کارخانجات ذوب آهن است که میتوان در کنار آن صنایع دیگر را بوجود آورد و سطح تولید و درآمد مردم را بالا برد ، و نباید تمام فکر را متوجه کارخانه های کوچک و سبک کرد .

متاسفانه باید اذعان کرد که در چند سال گذشته نیز متصدیان امور باین موضوع توجه نداشته و با کمال تاسف امروز می بینیم که یکی از مشکلات صنایع داخلی ما وابستگی آنها بصنایع خارجی شده است ، چه از لحاظ وسایل یدکی ، چه از حیث مواد خام و نیمه ساخته که برای تهیه آنها ، صنایع ما مجبورند شش تا هشت ماه پس از سفارش خود منتظر آن بمانند و تازه بقیمت گران بدست آنها میرسد و اکثراً این صنایع رل يك کارگاه مونتاژ را بازی میکنند .

هم اکنون صنایع فلزی ما که تعداد آنها قابل توجه میباشد ، دچار این ناراحتی شده اند ، و همانطور که کراراً از زبان مدیران آنها شنیده شده است همگی یکصدا میگویند : « صنایع ذوب آهن را در ایران بوجود آورید ، تا صنایع داخلی را از قید صنایع خارجی برهانید . »

مرحله اول - در سال ۱۲۶۳ شمسی (۱۳۰۲ ق) یعنی ۸۰ سال قبل ، مرحوم حاج محمد حسن امین الضرب اولین شخصی بود که در مسافرت های خارجی خود اهمیت صنایع آهن و فولاد و لزوم ختمی آنرا برای زندگانی ملت و استقلال مملکت کاملاً مفید و تمام سرمایه بزرگ و عزم راسخ خود را مصرف آن نمود . آری خوانندگان عزیز درست ۸۰ سال پیش کوره های ذوب آهن بدست مرحوم حاج محمد حسن امین الضرب در آمل پایه گذاری شد و وسایل مدرن نورد آهن در آمل پیاده گشت ، همزمان این اقدام ملی توطئه هایی شروع شد که

که در خصوص مراتب فوق تنظیم شده است عیناً در کتاب جغرافیای کیهان چاپ شده است .

از قوانین موضوعه دوره ششم تقنینیه تا دیماه ۱۳۰۶ چهار قانون آن بشرح زیر مربوط بذوب آهن بوده است :

۱- قانون استخدام مسیو مارتین تبعه دولت آلمان برای تاسیس کارخانه آهن ذوب کتی ۲۲ آبان ماه ۱۳۰۶

۲- قانون بودجه سنه ۱۳۰۶ اداره ذوب آهن ۲۳ آبان ماه ۱۳۰۶

۳- قانون تقلیل مدت مناقصه لوازم و ساختمان کارخانه آهن ذوب کتی ۱۳۰۶

۴- قانون اجازه استخدام مسیو هوفمان تبعه آلمان برای نقشه برداری نواحی معدنی ۱۰ دیماه ۱۳۰۶

همچنین همزمان با تحقیقات و مطالعات کارشناسان آلمانی در ایران درباره احداث کارخانه ذوب آهن لازم دانسته شد که عده ای جهت فرا گرفتن معلومات درباره صنعت ذوب آهن بخارج از کشور فرستاده شوند که ضمن يك لایحه قانونی در ۲۰ خردادماه ۱۳۰۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسید و چند گروه بکشورهای خارج فرستاده شد .

مرحله سوم : بازم بنا بعللی مدتی ذوب آهن در بونه فراموشی قرار گرفت ، تا اینکه در سال ۱۳۱۶ شمسی باردیگر در نتیجه فشار افکار عمومی پرونده ذوب آهن بجزریان افتاد و بالاخره در ۲۲ مهرماه همان سال (۱۳۱۶) شاه فقید نخستین سنگ کارخانه ذوب آهن را کار گذارند . و برای اینکه هر چه زودتر باینکار پایان داده شود و بهره برداری از کارخانه ذوب آهن را شروع کنند . نه تنها پیشتر قسط کنسر سیوم «دماک-کروپ» را پرداختند بلکه اقساط آئینده نیز پیش از موعد مقرر یکجا پرداخته شد .

واز سه فقره اعتبار مصوب ۷ آذرماه ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی ، يك فقره آن مخصوص تتمه حساب خرید کارخانه ذوب آهن است ، که چنین تنظیم شده است :

« ماده واحده : وزارت مالیه مجاز است که مبلغ ذیل را : ۱- جهت خرید و سوار کردن کارخانه ذوب آهن در ۱۳۱۶ - ۶۰۰۰۰۰ لیره . »

اما متأسفانه بازم بعد از تصویب این قانون و پرداخت بهای تمام کارخانه بهانه دیگری بدست آن عده ای که همیشه مخالف ایجاد ذوب آهن بودند افتاد ، اولین اشکالی که این عده گرفتند ، این بود که چون قنات امین آباد ریزش کرده و کارخانه ذوب آهن به ۳۰ سنگ آب احتیاج دارد و در آنجا نمیتوان این مقدار آب را تامین نمود ، لذا باید جای دیگری را در نظر گرفت و بالاخره پس از مدتی قسمتی ارشهر کرج برای کارخانه ذوب آهن تعیین شد و عده ای در آنجا مشغول بکار ساختمان شدند .

اما متأسفانه پس از مدتی که از شروع ساختمان ذوب آهن گذشت ، جنگ بین المللی دوم شروع شد . و ساختمان ذوب آهن ، بزرگترین آرزوی مردم کشور ما متوقف شد و همانطور که همه میدانند ، متفقین مقدار زیادی از بسته های بندهای کارخانه را در بنادر آلمان توقیف کردند و آنچه از قطعات کارخانه بتهران رسیده بود بی فایده ماند و آن مقدار که قابل مصرف بود حیث و میل گردید و بقیه آن نیز بمرور زمان از بین رفت .

مرحله چهارم : بار دیگر در هفده سال قبیل یعنی سال ۱۳۲۵ سازمان برنامه طرح های خود را برای عمران و آبادی و پیشرفت کارهای صنعتی اعلام کرد . که در راس آن طرح ایجاد ذوب آهن ایران جای داشت . هیاتی که مامور تهیه این طرح ها بود از ۳۲ نفر تشکیل میشدند که در راس آن دکتر علی امینی نخست وزیر سابق قرار داشت .

برای روشن شدن مطلب مختصری از گزارش آقای دکتر نفیسی راجع ببرنامج هفت ساله اول مورخ ۱۰ آذر ماه ۱۳۲۶ بنظر خوانندگان میرسد البته در این طرح که بصورت کتاب درآمده ، پیشنهادات زیادی شده که از آنجمله درباره ذوب آهن و معادن است .

در قسمت ذوب آهن ، پیشنهاد شده که هر گاه نسبت بموجود بودن ذغال از نوع و بمقدار کافی اطمینان حاصل شود تاسیسات ناتمام کارخانه کرج بمنظور تولید ریل و تراورس و تیر آهن ، ورق و مفتول تکمیل و

لااقل کوره اول آن براه بیفتد .

تکمیل کارخانه ذوب آهن و موسسات وابسته آن جمعا ۲۰۰ میلیون ریال و ۵۵ میلیون دلار بارز خرج خواهد داشت .

در قسمت معادن نیز گفته شده است : ایران کشوری است که از حیث معدن غنی و استخراج معادن ممکن است ، یکی از مسائل مهم استفاده در آئینده باشد ، در برابر اقداماتی برای رفع این نقیصه در نظر گرفته شده و قرار است يك سرویس نقشه برداری و يك سرویس زمین شناسی و معدن شناسی با شعبی در شهرستانها دائر شود و بدینجهت اقداماتی خواهد شد که مقدار استخراج معادن ذغال سنگ در آخر هفت سال به سالانه ۵۰۰ هزار تن و معادن آهن سمنان و معادن مواد فرعی ذوب آهن بمیزان احتیاجات کارخانه کرج برسد .

هزینه ای که برای معادن و ذوب آهن در اولین بودجه برنامه هفت ساله کشور منظور شده بود از این قرار است : ذوب آهن ۴۰۰ میلیون ریال و معادن ۲۰۰ میلیون ریال .

و بالاخره پس از ۳ سال معطلی سرانجام در سال ۱۳۲۸ عملاً ؛ دولت بفکر تجدید حیات ذوب آهن طلسم شده افتاد . و همانطور که گفته شد سازمان برنامه این کار را بعهده گرفت و برای تجدید سازمان ذوب آهن . بادماک-کروپ که از بابت عدم تحویل وسایل ۳۰ میلیون تومان بدهکار بود بمذاکره پرداختند . و کمپانی «دماک-کروپ» هم که نمیخواست ۳۰ میلیون تومان بدهکاری خود را بدولت ایران بپردازد ، در طرح تازه سنگ جلوی پای دولت ایران انداخت و گزارش داد : «ذوب آهن ایران با طرح سابق اکنون دیگر نمیتواند احتیاجات را بر آورده کند ، بعلاوه جای قبلی مناسب نیست ، و در وهله اول باید محل دیگری را در نظر گرفت و دهها بهانه دیگری ساز کرد و بالاخره نتیجه گرفت که : برای تجدید بنای کارخانه ذوب آهن در ایران ، نقشه و طرح تازه ای مورد نیاز است . و بالاخره سازمان برنامه همان کنسر سیوم «دماک-کروپ» را مأمور مطالعه طرح و نقشه تازه کرد .

بعد از اینکه «دماک-کروپ» در مدت یکسال چند مهندس و هیأت بایران فرستاد و آنها در امور ذوب آهن ایران «مطالعه» کردند گزارش دادند که : در مرحله اول ظرفیت کارخانه ذوب آهن ۶۰ هزار تن که بعداً تا ۹۰ هزار تن نیز قابل افزایش باشد ، و بعد از این گزارش «دماک-کروپ» اعلام داشت « دولت ایران دیگری طلبی از این کنسر سیوم ندارد ، زیرا مخارج دستمزد طرح نقشه فوق الذکر بیش از ۳۰ میلیون تومان شده است . » مدتی از این گزارش نگذشته بود که آمریکاییها باین طرح اعتراض کردند و گفتند : « کارخانه ای با ۶۰ هزار تن ضرر میدهد و اقتصاد ایران را ورشکست میکند ! کارخانه کمتر از ۲۵۰ هزار تن بحساب دقیق و آمار های اقتصادی نباید تاسیس شود »

آقای محمد خسروشاهی بازرگان معروف و عضو اطاق بازرگانی تهران در این باره گفتند : « بنده بعد از جنگ دوم جهانی انباری را در آلمان دیدم که از ماشین آلات مختلف انباشته و ما در آن خانه کرده بود ضمن بازدید از این انبار ، بمن گفتند که مامورین ایرانی قطعاً از این ماشینها را برای پرداخت کرایه آن برداشته و فروخته اند . »

آقای مهندس قره گزنو در این باره اضافه کردند : « آلمانها بابت کارخانه سابق تا آخرین دینارش را گرفتند و آنچه من بخاطر دارم بهای آن تماماً پرداخت شد و اگر حالا بخواهید تاسیسات ذوب آهن مانند کرج بسازید شاید فقط تاسیسات آن بیش از ۱۰۰ میلیون تومان خرج خواهد داشت . »

بهر حال پس از سالها رفت و آمد کارشناسان و بی نتیجه ماندن کار آنها در اوایل سال ۱۳۳۸ در مجلس شورای ملی آقای ارسلان خلعتبری درباره ذوب آهن چنین سوال نمودند : « سؤال بنده مربوط به کارخانه ذوب آهن است ، تاسیس این کارخانه مدتها است که بصورت يك آرزوی ملی درآمده است ، در زمان اعلیحضرت فقید اقداماتی شد و شهری هم برای این کار نزدیک کرج تاسیس گردید و ماشین آلاتی هم از خارجه خریدند

اما جنگ پیش آمد و این اقدامات ناتمام ماند. بعد از جنگ هم از سه سال پیش باین طرف در این باره صحبت های زیادی میشود و در روزنامه ها مطالب بسیاری در این مورد نوشته میشود، میخواستیم مردم بدانند که تا بحال چه کارهایی صورت گرفته است.

و بالاخره بعد از ماهها انتظار برای پاسخ باین سؤال وزیر صنایع و معادن وقت، در جلسه یکشنبه دوم آبان ماه ۳۸ مجلس شورای ملی در جواب آقای خلعتبری گفت: «ما سالیانه مقدار زیادی دلار و ارز برای خرید ماشین آلات میدهم و ادامه این وضع مسلما برای اقتصاد کشور صلاح نیست و باید سعی کرد که این ماشین آلات در خود کشور تهیه شود.

برای این کار ما در درجه اول احتیاج بمواد اولیه و خام داریم و این مساله بسیار مهم همیشه در مد نظر دولتها بوده است در سال ۱۳۳۶ سازمان برنامه درباره تاسیس ذوب آهن قراردادی با دماگ-کروپ منعقد کرد و در سال ۱۳۳۷ طرحی از طرف دماگ-کروپ بسازمان برنامه داده شد و موقعیکه وزیر اقتصاد آلمان بایران آمد این مساله را با او در میان گذاشتند. ما در آن موقع اطمینان داشتیم که سنگ آهن کافی داریم اما در مورد ذغال لازم هنوز مطالعه کافی نشده بود، اینک آنچه که مسلم است ما ذغال باندازه کافی در کشور داریم، اما مساله اینکه هنوز مورد بررسی میباشد اینست که باید بچه نوع عمل شود که استخراج ذغال سنگ مقرون بصره و از نظر اقتصادی سالم باشد. بنده هنگام مسافرت بآلمان هم درباره ذوب آهن با آنها مذاکره کردم و موافقت هایی حاصل شده که این کارخانه دایر بشود، آنها میگفتند تاسیس کارخانه در دو مرحله انجام بشود مرحله اول که تهیه مقدمات و نصب کارخانه و مرحله دوم بهره برداری.

وزیر صنایع و معادن در پایان گفتار خود نتیجه گرفتند که: «بنده باین امر توجه کامل دارم و معتقدم که حتی یک دقیقه نباید فرصت از دست داده شود، اینک دیگر مشکل اساسی در پیش نداریم و هر چه زودتر این طرح بمرحله اجرا در خواهد آمد و امیدواری هست که در آتیه بسیار نزدیکی قانون مربوط باین کار تقدیم مجلس شود.» و بالاخره در آذرماه ۳۸ برای چندمین بار لایحه ذوب آهن در مجلس شورای تصویب شد و چون یک جمله آن که مربوط به اساسنامه و آئین نامه آن بود افتاده بود طبق تقاضای وزیر صنایع و معادن بآن اضافه شد و سپس بمجلس سنا ارسال گردید.

و بعد از چند روز در مجلس سنا نیز تصویب شد و بدنبال آن در تاریخ ۱۱ دماه ۱۳۳۸ لایحه قانونی مربوط به تشکیل سازمان ذوب آهن ایران بتصویب رسید.

همانطور که دیدیم، باین طرح ها نقشه ها اکتفا نشد، و هر چند ماه یکبار، سوئدیها، انگلیسیها، بلژیکیها و بازم آمریکاها و آلمانیها هیأت هایی برای بررسی معادن و تعیین محل نصب کارخانه به شهرستانهای ایران فرستادند که فعلا بیش از این امکان بحث آن در اینجا نیست. و این داستان آنقدر ادامه یافت که طبق آخرین خبر هفته گذشته قرار است بار دیگر کارشناسانی از غرب برای تعیین محل نصب کارخانه بایران بیایند. مسلما تاکنون خوانندگان عزیز قسمت هایی از گزارشات که از طرف کارشناسان غربی در چند سال گذشته داده شده است خوانده اند و متوجه شده اند که یکی حکایت از غنی بودن منابع طبیعی ما برای ایجاد و تاسیس کارخانه های ذوب آهن میکرد و دیگری مدعی عدم وجود سنگهای پر بار برای ذوب آهن و یا مخلوط بودن سنگهای آهن با مواد مسی و اکسید بوده است. منتهم تاکنون ادعای تخصص لازم برای اظهار نظر در این کار را نکرده ام ولی هر چه بیشتر بکوههای سرفلک کشیده که قسمت مهمی از کشور ما را فرا گرفته فکر میکنم که آثار ظاهری حاکی از وجود مواد آهنی در بیشتر آنهاست، می بینیم بیشتر در صحت این گزارشات و صداقت گزارش دهندگان تردید میکنم.

لازم بمعرفی این گروه ها که در سالهای اخیر باین کشور آمده و در ظاهر بتحقیق پرداخته اند نیست. همه آنها را میشناسند که وابسته بصنایع

صفحه ۳۲

بزرگ ذوب آهن در اروپا و آمریکا هستند، اینها در هر چه اختلاف داشته باشند در یک موضوع باهم نظر مشترک دارند و آن اینست که تا ممکن است نباید عجله کرد.

ایران سالیانه تقریبا پانصد هزار تن آهن از کشورهای تابعه آنها و حتی از کارخانه هایی میخورد که این متخصصین از آنها حقوق و مقام میگیرند در این صورت چگونه میتوان بگزارشات آنها که خود در بازار آهن ایران ذینفع هستند اطمینان کرد؟

این دسته ها بودند که سالیان دراز در کشورهای آسیائی و آفریقائی بتحقیق و جستجو (!)ی معادن مشغول بوده و همین گزارشات باس آور داده اند ولی بعدا دیدیم که در گزارشات خود تا چه حد صادق بودند؟

چه بهتر بود که نمونه ای از همین دماگ-کروپ در اینجا نقل کنیم. آقای مهندس احمد زنگنه که خود سالها در اس سازمان برنامه بوده اند بطور خلاصه درباره ذوب آهن ایران اظهار داشتند: «ساله است که موضوع ذوب آهن در بین بوده و نظرها فلن این بوده که شاید یکی از کوره های کرج تمام نمیشد و من همیشه کرج را مهیای تر میدیدم زیرا تمام دستگاههایش حاضر شده بود ولی متاسفانه با اینکه تمام پول آنرا از ما گرفتند اثری از ذوب آهن ندیدیم تا پس از جنگ که من خود وارد مسئله ذوب آهن بودم و در سال ۱۳۳۰ با کروپ تماس گرفتیم و سه نفر از مهندسين آنها بایران آمدند آنها پس از مطالعات زیاد بما گفتند حقیقت این است که ما اجازه نداریم این کار را تمام کنیم و حتی بطور غیر رسمی بتهران آمده ایم هیئت سه نفری پس از مطالعه بیشتر راپورتی تهیه کردند و آن را تسلیم سازمان برنامه نمودند.

دهها نمونه دیگر هست که شک و تردید مرا درباره ماهیت این گزارشات تشدید میکند. خوبست مسئولین امر اگر واقعا مایل بحل این مشکل هستند برای رفع شبهه هم که شده باشد در انتخاب متخصصین تجدید نظر کنند که در بازار آهن ایران ذینفع نباشند.

آقای ماه الانولیس کارشناس معروف اقتصادی در یکی از مقالات خود ضمن تجزیه و تحلیل درباره لزوم صنعتی شدن کشورهای کم توسعه یافته مینویسد: «انحصارات صنعتی بزرگ تاکنون تا آنجا که توانسته اند از پیشرفت مکانیزاسیون صنایع کشورهای عقب افتاده جلوگیری کرده اند، بر خورداری انحصاری از منابع و مواد خام این کشورها (به نرخهای امتیازی که سالها پیش بدست آورده اند) و از دست گرفتن بازارهای کالاهای آنها انگیزه و عامل اصلی این اقدام بوده است.

باید هر چه زودتر یک انقلاب صنعتی در اقتصاد کشور های عقب افتاده بوجود آید زیرا این تحول موجب میشود که بتدریج اقتصاد کشورها از تحت تسلط و نفوذ نیروهای مسلط خارج شده و این کشورها باستقلال اقتصادی، نائل آیند.

نکته . . .

۳ میلیارد و ۸۳۳ میلیون واردات در مقابل ۴۶۷ میلیون صادرات

آمار بازرگانی خارجی ایران حاکیست که:

در تیرماه سال گذشته بالغ بر ۳ میلیارد و ۸۳۳ میلیون ریال از کشورهای مختلف بایران کالا وارد گردیده است و میزان ارزش اجناس صادراتی طی همین ماه بالغ بر ۴۶۷ میلیون ریال که تقریبا یک هشتم مجموع کالاهای وارده میباشد بوده است.

آمار مزبور همچنین حاکی است که در همین ماه انگلستان بزرگترین واردکننده کالا بایران بوده و ایالات متحده امریکا و آلمان غربی و هلند و ایتالیا بترتیب بعد از انگلستان قرار دارند. شوروی در جدول صادراتی همان ماه با خرید ۷۸ میلیون ریال از کالاهای صادراتی ایران بزرگترین خریدار ما بوده است.